

اپورتونیسیم سیاسی در دفاع از اعلام "فراکسیون درون کومه‌له"

حسن رحمان پناه

بعد از ماهها کار و فعالیت در خارج کشور، تحت عناوین و القاب گوناگون، بالاخره جمعی از اعضای حزب کمونیست ایران و کومه‌له در روز ۲۰۰۸/۷/۱۴ طی نوشته‌ای در ۸ صفحه و برای دومین بار نظرات و دیدگاههای خود را تحت لوای "فعالیت به اسم کومه‌له" و این بار در قالب "فراکسیون" اعلام کردند. این جمع که در ابتدا ۱۳ نفر و بدنبال ۴۶ نفر (۸ نفر از اعضا و ۵ نفر از پیشمرگان در کردستان و ۳۳ نفر در کشورهای مختلف اروپایی و کانادا) آن را امضا کردند، نظرات خود را به صورت مکتوب پیرامون پاره‌ای مسائل تشریح نموده‌اند.

نظرات این رفقا در این نوشته نسبت به نوشته سابقشان نه تنها گامی به جلو نیست بلکه چند گام به عقب است. من در این نوشته قصد پرداختن و نقد مضمون نظرات درج شده این جمع را که در بسیاری جهات در تقابل با دیدگاههای شناخته شده حزب کمونیست ایران و کومه‌له در حال و گذشته است را ندارم.

در نوشته مورد بحث، این دوستان به روشنی گفته‌اند، اگر تا دیروز نقدشان علیه "قالب حزب کمونیست" بود، اما اکنون و امروز علیه مضمون و محتوای فعالیت کومه‌له هم میباشد. چیزی که ما بارها بر آن تاکید داشته‌ایم و آنان انکار میکردند. قصد من در این نوشته پرداختن به نظرات این رفقا نیست بلکه نقد نظرات جمع دیگری است که یک روز بعد از پخش اطلاعیه اعلام این "فراکسیون" با تعجیل به دفاع از آنان پرداختند.

این تعجیل و حمایت در واقع چیدن میوه نو رسیده زحمات چند ماهه و شاید یکی دو ساله اخیر آنان است. اما اینکه چه چیزی با این شتاب باعث انتشار اطلاعیه گروه ۸ نفره شد، باید جای سؤال و تردید هر فعال و انسان مبارزی باشد که روزی در صفوف حزب کمونیست و کومه‌له فعالیت کرده است.

هر کسی قبل از هر چیز باید از خود سؤال کند که "غیبت کبری" آنها طی سالهای طولانی در بحبوحه بحرانی ترین شرایط دوران معاصر چه معنا و مفهومی داشته و دارد؟ و اکنون کدام انگیزه‌ها آنها را از این خواب چند ساله بیدار کرده است؟ آنها که امروز اینگونه شتابزده برای تضعیف کومه‌له و حزب کمونیست ایران آستین بالا زده و خود را ملزم دیده‌اند در قبال رویدادی مانند "اعلام فراکسیون" در کومه‌له موضع خود را اعلام کنند، آیا در جهان ما، در منطقه ما، در همین کردستان ما طی بیش از ۱۵ سال گذشته هیچ موضوع سیاسی مهمتری وجود نداشت تا آنها وجود سیاسی باز یافته خود را با آن توضیح دهند. حتما بایستی کار خود را از لطمه زدن به یک جریان کمونیستی شروع کنند؟ این مبارزه سیاسی است یا عقده گشایی خرده بورژوازی؟

کسی که روزگاری خود را صاحب نظر در مسایل شوروی میدانست، فروپاشی شوروی و سقوط دیوار برلین، جنگ اول و دوم خلیج، آمدن و رفتن "نظم نوین جهانی"، ۱۱ سپتامبر و تحولات متعاقب آنهمه بلا و مصیبت روزانه ناشی از آن، کشتار روزانه زنان و کودکان فلسطین و لبنان توسط ارتش اسرائیل و جریان‌های ارتجاعی و اسلامی، تحولات درون جامعه ایران و صعود و نزول اصلاح طلبان و حضور فاشیستی احمدی نژاد و باندهای مافیایی دیگر در رکاب رهبری برای قتل و سرکوب روزانه مردم ایران، تحرکات و تحولات مهم در منطقه و قرار گرفتن آن بر

لبه پرتگاه و جنگ ویرانگر، و دهها هشدار و نگرانی دیگر از خواب خرگوشی و مطالعات نظری بیدارش نکرد، اما کمک به دوشقه کردن و انشعاب مجدد در کومه له فوراً به وجدش می‌آورد بلافاصله اطلاعیه صادر میکند، آیا میتوان این اقدام را هدفی آزادیخواهانه و به قول نوشته‌شان "ضرورت سیاسی و آرمانی" تلقی کرد؟! ضرورت دفاع سیاسی و آرمانی شما تا بحال در تقابل با این همه بی‌عدالتی و از هستی ساقط نمودن میلیون‌ها انسان زجر دیده کجا بود؟

این دوستان در نوشته‌شان تحت عنوان "پشتیبانی از فراکسیون فعالیت به نام کومه له" نوشته‌اند، به نظر ما نیز سمت‌گیریها و نحوه فعالیت حزب کمونیست ایران و سازمان کردستان آن (کومه له) به سهم خود منجر به تضعیف کومه له و جریان چپ و سوسیالیستی در کردستان شده است. قبل از هر چیز و در جواب به تیتراژ گمراه‌کننده اطلاعیه‌شان باید نوشت و گفت که شما پشتیبان فراکسیون نیستید بلکه خود فراکسیون هستید. از بنیان‌گذاران آن، از تهیه‌کنندگان پلاتفرم و جمع‌رهبی آن هستید، تمام شواهد و اقدامات تاکنونی شما قبل از اعلام فراکسیون دال بر این حقیقت است. اما چرا اکنون در قالب دفاع و پشتیبانی از فراکسیون ظاهر میشوید؟ این ملاحظه‌کاری ناشیانه شما ناشی از ترس تان از افکار عمومی است. ظهور دوباره خود را بایستی با احتیاط اعلام کنید و نقش خود را در طراحی این حرکت انکار کنید.

پنج تن از شما طولانی مدت یا کوتاه مدت در سطح رهبری و کمیته مرکزی حزب کمونیست یا کومه له فعالیت داشته‌اید، هیچ‌کس نقش زیانبار کسانی از شما را در دوران شکل‌گیری کانون "کمونیسم کارگری" و "فتح قلعه" از درون در خدمت به این جریان و بعد از "فتح قلعه" در راه جریان "پشیمانی" و "روحیه شکنی" در مقابل جریان "کمونیسم کارگری" فراموش نکرده و نیز زخمهایی که به دست شما و با سوء استفاده از اعتماد انسانهای فداکار در پیکر تک‌تک ما و کومه له و جنبش انقلابی کردستان وارد کردید هنوز التیام نیافته است. در جریان انشعاب سازمان زحمتکشان کسانی از شما در نقش کمیته اجرایی و کمیته مرکزی حزب با تمام قوا از آنان دفاع نمودید.

یکی از همان میرزا بنویسها، مقالاتی در ضدیت با کومه له کمونیست نوشت و بارها در "روژه لات تی - وی" به تشریح "سوسیالیسم دوجکی" پرداخت که اکنون بخشی از همان نظرات مشعشع را چه بصورت توضیح سوسیالیسم مورد نظر شما و فراکسیون و چه بصورت سوال مطرح کرده‌اید. آن دیگری هرگاه تریبونی در جلوش قرار گرفت قبل از هر چیز علیه شعار عمیقاً انسانی و برحق "برابری" داد سخن داد. هرکدام از شما هریک بنوعی و به درجه‌ای کوشیدید که انشعاب سازمان زحمتکشان را جا بیاندازید و مشاور و همکار پشت پرده آنها بودید. راستی به هیچکدام از حرکات خود در این زمینه انتقادی ندارید و شبها را با خیال راحت سر بر بالین میگذارید؟ گناه ما این بود که بر ادامه راهمان در کومه له و حزب کمونیست ایران پافشاری کردیم، اما گناه شما چه بود؟ چرا اینگونه ساده بدون هیچ توضیحی، بدون اینکه خم به ابرو بیاورید به دوستان و همراهان خود در سازمان زحمتکشان کردستان پشت کردید و عصبانیت ناشی از سرخوردگی از بابت شکست آن پروژه را متوجه حزب کمونیست و کومه له کرده‌اید؟

وجدانتان را در خلوت خود قاضی کنید که چه کسی باعث "تضعیف کومه له و جریان سوسیالیستی در کردستان شده است؟ کومه له و حزب کمونیست یا شما با آن گذشته روشن و نیز

دفاعتان از سازمان زحمتکشان و همفکران؟ لازم نیست من و شما شاهکارهای دوستان تا دیروزتان را بیان کنیم. کافی است کمی به خود زحمت بدهید و نظرات و افشاگریهای سران و رهبران آن ۳ جریان در مورد یکدیگر را در طول این ۸ سال بار دیگر مطالعه و گوش دهید تا بفهمید که چه کسی با سواستفاده از اسم کومله تیشه بر ریشه این جریان محبوب و توده ای زده است؟ و سهم شما به مثابه روشنفکران مشاور آنها چه بوده است؟

دیگر اینکه بیان فعالیت ما را چه بعنوان حزب کمونیست و چه سازمان کردستان این حزب (کومه له) در جلو چشمان خود مجسم کنید و اگر انصافی در شما وجود دارد منصفانه قضاوت کنید که چه کسی کومله چپ و سوسیالیست در کردستان را که اکنون شما ظاهرا شعار دفاع از آن را سر میدهید از نابودی و انحطاط فکری، سیاسی و تشکیلاتی نجات داد و بار دیگر آنرا به نیروی مورد اعتماد و اطمینان مردم کردستان تبدیل کرد؟ اعتصاب عمومی ۱۶ مرداد ۱۳۸۴، اعتراضات و مبارزات متحدانه و سرافرازانه اول ماه مه ها، ۸ مارس ها، مراسم پر جمعیت ۲۶ بهمن روز کومله در نقاط مختلف، اعتصاب سالانه کارگران کوره پزخانه ها، فعالیت روزانه و قدم به قدم برای ایجاد نهادها و تشکلات کارگری، زنان و... کارنامه و تاریخ چه کسی در کردستان است و شما دوستان محترم و قدیمی در این تاریخ چه جایگاه و نقشی داشته اید؟

حقیقت این است که شما از شکست پروژه "کومه له سازی" سازمان زحمتکشان ناراحت و مایوس شده اید و به درستی یکی از عوامل اساسی ناکامی آن پروژه بیگانه با حیات کومله را وجود فداکاری و استقامت کومه له کمونیست در کردستان و حفظ سنتهای انقلابی این جریان میدانید و اکنون در صدد جبران این شکست و باز هم در صدد اجرای تئوری "فتح قلعه" از درون هستید. آدم منصف اگران صداقت کومه له بویی برده باشد، بعد از این ماجراها می بایستی به انتقاد از خود می نشست و نه اینکه کار تدارک انشعاب دیگری را آغاز میکرد .

این دوستان در حمایت خود از "فراکسیون" مینویسند "اقدام این رفقا را جزئی از یک جنبش انتقادی چپ و سوسیالیستی میدانیم که در برابر گرایشات فکری و سیاسی که کومه له را دچار تفرقه، تشتت و بحران کرد به میدان آمده اند!"

کاش این ادعای شما درست بود. قبلا آرزو داشتیم زمانیکه کومله در تشتت و بحران بود به میدان می آمدید و سهمی در کاهش این تشتت و بحران ایفا میکردید. اما اکنون که کومه له آن بحرانها را پشت سر گذاشته و دوباره به نقطه اتکا و امید مردم کردستان تبدیل شده، چشم هایتان قدرت دیدن این حقایق را ندارد و اتفاقا برای ایجاد تشتت و بحران و تعمیق آن در صفوف کومله و جنبش انقلابی کردستان به میدان آمده اید. شما سهم شاخه های مختلف زحمتکشان در ضربه زدن به کومه له و به حراج گذاشتن تاریخ و سیاستهای آن را در بارگاه امریکا و ناسیونالیستها نادیده می انگارید و حزب کمونیست و کومه له که آن تاریخ، سیاست و اهداف را زنده نگاه داشت "سبب تضعیف جریان چپ و سوسیالیست در کردستان میدانید" واقعا بر این همه نکاو و انصاف و فعالیت در آینده برای "تقویت چپ و سوسیالیسم" باید آفرین گفت .

در پایان اطلاعیه تان نوشته اید "ممکن است که پاره ای از نقطه نظرات اعلام شده فراکسیون دارای کمبودهایی هم باشد اما این امر ما را در پشتیبانی از حرکت سیاسی و فکری آن دچار تردید نمی کند ."

در این جمله چندین حقیقت ناگفته پنهان است. اولاً، حمایت مشروط شما ناشی از نگرانی‌تان در اظهار کمونیست بودن "فراکسیون" است که چند بار و بویژه بمنظور متقاعد کردن صفوف حزب و کومه له و دوستان و طرفداران این جریان، قسم‌های کمونیستی زیادی تکرار شده است. ثانیاً، کارکرد معجزه‌آسای واژه "حفظ مواضع" برای این است که هر جا برای "فراکسیون" مشکلی پیش آمد و قافیه بر آنها تنگ شد و یا با نظرات غیر کمونیستی و "سوسیال دموکراتیک" شما تقابل پیدا کردند، بلافاصله این واژه به یاری شما می‌آید و پا را از مخصه بیرون میکشید و همچون برخوردتان به سازمان زحمتکشان در نیمه راه آنها را تنها میگذارید و همه مصایب و کاستیها را در میان آنها سرشکن خواهید کرد.

ثالثاً "حمایت و پشتیبانی سیاسی و فکری از فراکسیون که شما را دچار تردید نمیکند(خط تاکید از من است) نه به منظور رفع تردید شما و فایق آمدن بر بی‌پراتیکی سالهای متمادی خانه نشینی و صیقل دادن ایدئولوژی‌تان و تفسیر بی‌اعتمادی دیگران علیه شما، بلکه بمنظور فایق آمدن بر بی‌اعتمادی و تردید دوستانی است که ممکن است با مواضع "فراکسیون" مشکل داشته باشند، پیغام شما به آنها این است که فعلاً اولویت، ضربه زدن به کومه له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) است، لذا بیخود مته به خشخاش نگذارید و هدف اصلی را تعقیب کنید. آیا برآستی این هدف شریفی است؟ آیا میدانید که شما با این همه تناقضاتی که از همین ابتدای کار با خود حمل میکنید نطفه چند انشعاب دیگر را هم در کومه له مورد نظر خود ذخیره کرده‌اید؟ در پاراگراف آخر دفاع از "فراکسیون" برای خود ضرورت سیاسی و آرمان تلقی کرده‌اید. این عبارت هم برای همه قابل درک است. دفاع از این فراکسیون نه صرفاً برای شما "سیاسی و آرمانی" بلکه سیاست و آرمان شما در اهداف اعلام شده این رفقا بیان شده است. اما اشتباه اصلی شما در این است که از گذشته درس نگرفته و از آگاهی و شعور سیاسی و آرمانی مخاطبینتان بویژه در داخل کردستان بی‌اطلاع و برای آن حساب باز نکرده‌اید. یعنی آنچه که نقطه قوت کومه له در گذشته و حال بوده و پاشنه آشیل مدعیان این جریان در آینده نیز خواهد بود.

۲۰۰۸/۷/۱۸